



مصباح یزدی: اطاعت از احمدی نژاد اطاعت از خداست



سردار دلها، روایتی کوتاه از سردار سلیمانی
نازنین تاسیامک و... سکوت

تمام وعدهای روحانی در بودجه ۹۷
اور شلیم یاقدس! واینک آخر الزمان
قدس هم سوم خرداد خود را خواهد دید
ما برای پیچاندن آمدیم
حقیقتی که ترامپ متوجه آن خواهد شد
پایین آمدیم دوغ بود، همه آن حرفها دروغ بود؟

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

دو هفته نامه‌ی جبوط

مدیر مسئول، صاحب امتیاز و سردبیر

امیر رضا مقومی

سخن سردبیر

سردار دلها، روایتی کوتاه از سردار سليمان

نازنین تاسیامک و... سکوت

تمام وعده‌های روحانی در بودجه‌ی ۹۷

اور شلیم یا قدس! واینک آخرالزمان

قدس هم سوم خرداد خود را خواهد دید

ما برای پیچاندن آمدیم

حقیقتی که ترامپ به زودی متوجه خواهد شد

پایین آمدیم دوغ بود، همه آن حرفهای روغ بود؟!

طراح

ویراستار

محراب نجعی نژاد

پوریا فرجامی

سید محمد حسینی

محمد حسین هاتقی

حسین قدیانی

صادق بشیره

محمد جواد محمدی تبار

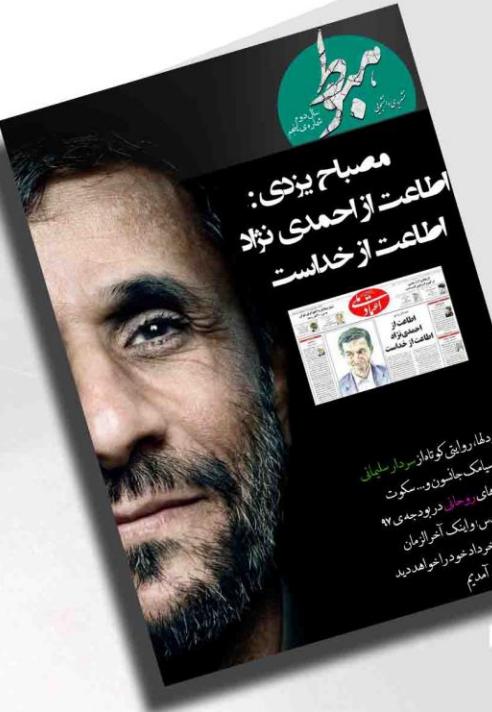
امیر طاهر خانی

سید رسول حسینی

سردار خداوندی کوتاه در سال
لاروز، سیلک پالتو و... سکوت
تمام وعده‌های روحانی در بودجه‌ی ۹۷
اور شلیم یا قدس! واینک آخرالزمان
قدس هم سوم خرداد خود را خواهد دید
ما برای پیچاندن آمدیم



معبهح یزدی:
اطلاعات از احمدی نژاد
اطلاعات از خداست





سخن سردبیر:

اطلاعات از احمدی نژاد اطلاعات از خداست

اگر احمدی نژاد را فقط در این سال های اخیر مورد مطالعه و تحلیل قرار دهیم بی شک از عدالت خارج شده ایم احمدی نژاد دو بازه ای متفاوت دارد؛ احمدی نژاد سال ۸۴ و احمدی نژاد سال ۸۸

نیز این انحراف را شخص علامه مصباح هشدار داد و بیان کرد: حضرت امیر المؤمنین می فرمایند: «چه کسی گفته حرف مرد یکی است؟» و توضیح می دادند که همواره حق ملاک گفتار و عمل است، یعنی دقیقا همان که آیت الله مصباح یزدی به آن عمل کردند و نیز دقیقا برعکس آنچه که مدعیان قبیله گرای تجدید طلب عمل کرده و می کنند.

نمونه هایی از این دست در تاریخ اسلام به فراوانی دیده می شود، به عنوان مثال: حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در معرفی زیرین عوام، یعنی همان کسی که به اتفاق طلحه جنگ جمل را علیه حضرتش بر پا کردند می فرماید: «زیر یکی از مردان ما اهل الیت بود». یعنی حضرت امیر علیه السلام در آن هنگام که طلحه و زیر در جبهه حق بودند از آن ها دفاع جانانه کردند و پس از آن که از اردوگاه حق خارج شدند با آنان به مقابله کرد.

و حالا باید پرسید عیاذ بالله علی (ع) اشتباه کرده و بی بصیرت

دليل مطرح شدن رئيس دولت نهم و دهم ايران در رسانه ها باز می گردد به سخنی از علامه مصباح در هفته های قبل: "هر کسی را تا مادامی که در مسیر اسلام کار می کند حمایت می کنیم، هر وقت هم منحرف شد، از او جدا می شویم. امروز اعمال احمدی نژاد را تأیید نمی کنم چون یک حالت انحرافی در او می بینم."

این سخن آیت الله مصباح در حالی است که ایشان در انتخابات های ۸۴ و ۸۸ حمایت قاطعی از احمدی نژاد کردند. روزنامه های زنجیره ای با اشاره به مواضع اخیر احمدی نژاد و گروه همراه وی، به آیت الله مصباح اعتراض کرده اند که چرا از او حمایت کرده بودند و چرا تمام قد در سخت ترین و حساس ترین انتخابات کنار او بودند؟ اما پاسخ این سوال و این حمله ها خیلی آسان است.

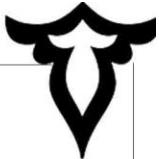
با فرض دو حالت میتوان به این مسئله پاسخ داد

فرض اول: فردی با شعار های مردمی و انقلابی و با حمایت از مظلومان و مستضعفان به میدان آمده و خواهان عدالت است. در دیدگاه او عدالت بر توسعه برتری دارد و عدالت اجتماعی در اولویت قرار دارد. آیا دفاع از ایشان و عملکرد ۴ ساله ی وی (۸۴-۸۸)، که مورد قبول آحاد جامعه بوده است و نتیجه این مقبولیت را در انتخابات سال ۸۸ دیدیم، جرم است؟ آیا بی بصیرتی است؟

فرض دوم: همان شخص یا جريان سیاسی را در نظر بگیرید که تغییر مسیر داده و به انحراف کشیده شده است. در این حالت، آیا عقل و شرع و منطق و شعور حکم می کند که با روش و منش انحرافی و خسارت آفرین او مقابله کرد؟ و یا به مثابه عده ای به ظاهر روشنفکر از اشتباهات و انحراف هایش دفاع کرد؟ و یا مانند اقلیتی، مفسد اقتصادی محکوم به اعدام را «کار آفرین» و «نابغه اقتصادی» که باید از وجود او استفاده بشود بنامیم؟ یا از جاسوسانی که به جرم خود نیز اعتراف کرده اند حمایت کنیم و دریافت کنند گان حقوق های نجومی را ذخیره نظام امنیتی کنیم؟ این نکته هم قابل ذکر است که احمدی نژاد با گذشت از انتخابات دهم و ارتباط گیری



هبوط



جمهوری اسلامی را به واسطه ولایت فقیه «الهی» دانسته و نقش مردم را موجب «مقبولیت» نظام می دانستند.

به عنوان مثال در ماجرا انتصاب بازارگان به سمت نخست وزیری از سوی امام (ره)، ایشان بر انتصاب بازارگان از سوی خود به عنوان کسی که از طرف شرع مقدس ولایت الهی دارد، تاکید کرده و از این رو اطاعت کردن از دولت بازارگان را واجب و اطاعت نکردن از او را به معنای مخالفت با شرع مقدس عنوان کردن: «من که ایشان را حاکم کردم، یک نفر آدمی هستم که به واسطه ولایتی که از طرف شرع مقدس دارم ایشان را قرار دادم. ایشان را که من قرار دادم واجب الاتباع است. ملت باید ازاو اتابع کند. یک حکومت عادی نیست یک حکومت شرعی است. مخالفت با این حکومت مخالفت با شرع است، قیام بر علیه شرع است.»

در عین حال ممکن است کسی پرسد اگر چنین است، چرا علامه مصباح بعدها به انتقاد از همان دولت احمدی نژاد و سپس دولت روحانی روی آورد؟ مگر این دو توسط ولی فقیه تنفیذ نشدن؟

پاسخ به این شبهه نیز ساده است، چرا که رئیس جمهور پس از تنفیذ توسط ولی فقیه مختار نیست تا هر گونه خواست عمل کند بلکه مواضع و عملش باید در چارچوب شرع باشد و اساساً تمامی رؤسای جمهور بعد انقلاب به صورت «مشروع» تنفیذ شده و در احکام تنفیذ تمامی آنها ذکر شده که تا زمانی که در مسیر چارچوب دین حرکت کنند مورد تایید هستند. این وجه اشتراک تنفیذ همه رؤسای جمهور بعد انقلاب است، از بنی صدر و رجایی تا احمدی نژاد و روحانی...

بگوید: هر چه دارم از او بوده است! چه تأثیراتی می تواند داشته باشد... امروز یک مقام رسمی کشور، باید و مطرح کند که دیگر دوران تعریف از اسلام و شعار اسلامی گذشته است، پلورالیسمی می باشد که در گذشته سایه آن رانیز با تیر می زدیم...»

البته باید این رانیز در گوشه ای از ذهنمان قرار دهیم که تجدید نظر طلب هایی که الان احمدی نژاد را منحرف مینامند مگر خودشان نیز در این راه نیستند؟ شبه‌ی دیگری که رد سال ۸۸ بسیار صدا کرد و تیتر یک روزنامه

ی اعتماد قرار گرفت آیا صحیح است یا خیر؟

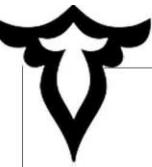
شبه‌ی دوم این است مگر قبل از گفتہ بودید اطاعت از احمدی نژاد اطاعت از خداست؟ پس چرا امروز به جای اطاعت از او

متقدش شده اید؟ پاسخ شبهه دوم مفصل تر است و پیش از هر چیز باید توجه داشت که مخالفان علامه مصباح اساساً به چیزی استناد می کنند که از بینیان دروغ است. ریشه‌ی این شبه به تیتر روزنامه اعتماد ملی در مرداد ۸۸ باز می گردد که به دروغ نوشت: «مصطفی یزدی: اطاعت از احمدی نژاد، اطاعت از خداست.»

اما مراجعه به اصل سخنان علامه مصباح در تاریخ ۲۱ مرداد ۸۸ نشان می دهد محتوای صحبت ایشان نه تنها معطوف به شخص خاصی از جمله رئیس جمهور وقت نبوده بلکه ایشان اصلاً اسمی از احمدی نژاد به میان نیاورده است، و درست در برده ای که عوامل فتنه ۸۸ بعد از تنفیذ رییس جمهور توسط رهبر انقلاب همچنان بر نامشروع بودن دولت اصرار داشتند و می گفتند انتخابات باید دوباره برگزار شود. ایشان در یک بحث ثوریک درباره جایگاه ولایت فقیه در نظام اسلامی، موضوع مشروعیت الهی جمهوری اسلامی را به بحث گذاشته و با تکرار فحوای کلام امام (ره) در سال ۵۷ می فرمایند:

«ولی فقیه یک رهبری دینی جانشین امام زمان (عج) است، این رئیس جمهور نماینده‌ای است که مردم او را انتخاب کرده‌اند. این دو با هم خیلی تفاوت دارند؛ رئیس جمهور وقتی از طرف ولی فقیه نصب شد، می‌شود عامل او، وی نصبش می‌کند. آن پرتو قداستی که او دارد بر این هم می‌تابد. وقتی رییس جمهور اسلامی شد، حکمش را از رهبر، جانشین امام (ع)، دریافت کرد. یک پرتوی از آن قداست بر این هم می‌تابد، آن وقت اطاعت از رئیس جمهور و اطاعت از مجلس و سایر امور می‌شود اطاعت از خدا. اما تا این گونه نشده حساب رهبر از دیگران جداست. ارزش او از طرف امام زمان و از طرف خداست.»

محتوای صحبت‌های علامه مصباح در این باره، نه تنها حرف جدیدی در فقه سیاسی شیعه محسوب نمی‌شود بلکه عیناً سخنان امام خمینی است که همواره مشروعیت نظام



هبوط

سردار دله

از آسیای میانه و افغانستان و پاکستان تا مدیترانه، جنوب شبه جزیره عربستان و شمال آفریقا، هر جا که آنها نیجه نمی گرفتند، این فرمانده کرمانی را که حالا به او «اللواء الایرانی» می گفتند، مسئول می دانستند. آنها کار را به جایی رساندند که برخی از فرماندهان نظامی شان، خواستار ترور او شدند. با آغاز موج تغییرات در جهان عرب و شمال آفریقا این موجه رسانه‌ای شدت بیشتر یافت به طوری که رسانه‌های مصری گردشگران ایرانی را نیروهای قاسم سلیمانی خوانند و با بالا گرفتن **حران سوریه**، او را فرمانده اصلی ارتتش سوریه اعلام کردند. عملکرد واقع گرایانه و به دور از افراط و تفريط فرمانده سابق لشکر ۴۱ شار الله نشان داده، «سلیمانی» به جای درگیر شدن روی مسائل حاشیه‌ای و زودگذر سیاسی، توان و انرژی خود را بر مسائل اصلی که همان عظمت و اقتدار و گسترش نفوذ راهبردی جمهوری اسلامی است متمرکز کرده. فرمانده شجاع سپاه قدس ایران عملاً ثابت کرده مورد اعتماد و احترام تمام گروه‌های سیاسی است و نظراتش را به راحتی به چهره‌های سیاسی منتقل می‌کند، همان گونه که در هفته بعد از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ به دیدار یکی از چهره‌های اصلی اصلاح طلبان رفت

و شتن درباره او که او سلط شهریور ۱۳۷۹ از سوی رهبر معظم انقلاب به عنوان دومین فرمانده نیروی قدس منصوب و در سال ۱۳۹۰ با ارتقاء درجه، **چهاردهمین سرلشکر انقلاب** شد، او که قدرت را می‌فهمد، حریفان را به خوبی می‌شناسد، اهل ریسک کردن است و برخلاف برخی، کمتر با استخاره تصمیم می‌گیرد، سخت است.

شاید برای مخاطب، خواندن اینکه گاردین می‌گوید «حتی کسانی که سلیمانی را دوست ندارند، او را فردی باهوش می‌دانند» یا نگاه موسسه پژوهش‌های راهبردی «آمریکن اینترپرایز» که گفته است: «ژنرال سلیمانی یک عملگرایست و در رویارویی با مشکلات تاکتیکی توانایی رهبری خود را ثابت کرده است»، تکراری باشد.

همچنین بازخوانی تاکتیک‌های مؤثر و موفق سردار سلیمانی در پیروزی مقاومت اسلامی و در **جنگ ۳۳ روزه لبنان** (حرب تموز) و ۲۲ روزه و ۸ روزه فلسطین یا تدایر راهبردی اش در پرونده سیاسی عراق و افغانستان نیاز به طرح مقدمات فراوانی دارد و جایش در رسانه‌های تخصصی است و به نظر نمی‌رسد در حوصله مخاطب باشد. البته اینکه چرا حاج قاسم بیش از «سردار احمد و حیدر» (فرمانده سابق نیروی قدس سپاه) در افکار عمومی مطرح است را باید در گسترش رسانه‌های داخلی و البته تبلیغات خارجی جست و جو کرد.

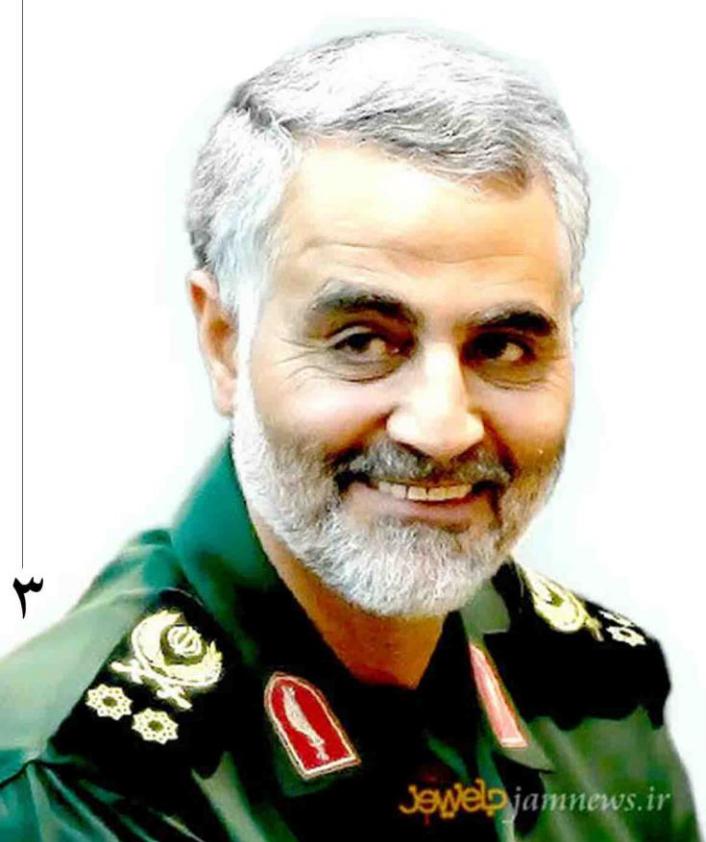
ایرانی که در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ خورشیدی به یک قدرت بانفوذ و مؤثر منطقه‌ای تبدیل شده بود، باعث برانگیخته شدن خیلی‌هایی شد که پیشتر در خاورمیانه برای خود جایگاهی متصور بودند.

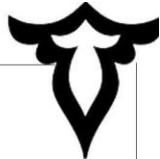
از سوی دیگر پیروزی «جنگ میانه» در جنگ تموز (۳۳ روزه) بر رژیم صهیونیستی نه تنها تل آویو را شوکه کرد که آمریکایی‌های سرمست را از فتح افغانستان و درگیر در عراق را که خواب «زايش خاورمیانه جدید» دیده بودند را نیز بهت‌زده کرد.

آمریکایی‌ها که پیشتر طعم تدبیر «سلیمانی» را در عراق چشیده بودند و نتوانسته بودند در عرصه سیاسی دستاورد چندانی داشته باشند، پیش و بیش از سایرین درباره حاج قاسم به تحقیق پرداختند و سعی کردند با ترساندن اعراب، او را «مبدع هلال شیعی» بدانند.

اما این پیروزی در جنگ ۳۳ روزه بود که نام «قائد فلق القدس الایرانی العمید قاسم سلیمانی» را به صورت وسیعی در رسانه‌های جهانی مطرح کرد.

از سوی دیگر آمریکایی‌ها که هر روز وضعیت بحرانی تری در عراق پیدا می‌کردند، حملات تبلیغاتی خود را علیه فرمانده سپاه قدس ایران شدت بخشیدند و ناخواسته او را به چهره اول صحنه زورآزمایی خاورمیانه تبدیل کردند.





۹۷ تمام و عده‌های روحانی در بودجه‌ی

با آن مخالفت ورزد.

با گذشت بیش از چهار ماه از آغاز به کار دولت دوازدهم و نکته دیگر آنکه رئیس جمهور به این سؤال پاسخ نداد که اگر پس از گزارش ۱۰۰ روزه اول روحانی به مردم که به اذعان روزنامه‌ها دولت‌های پیشین و به گفته او همه در مورد مسکن اشتباه و رسانه‌های زنجیره‌ای دست خالی دولت را در عمل و اقدام کرده‌اند دولت یازدهم و دوازدهم تاکنون برای مسکن دار کردن به وعده‌ها و مطالبات مردم نشان می‌داد رئیس جمهور دیروز مردم چه کاری کرده است؟!

بودجه سال ۱۳۹۷ را تقدیم مجلس کرد و در سخنانی روحانی در حالی به سیاست تکرار و عده‌ها و شرط گذاری برای اجرای وعده‌های سابق را به تصویب و اجرایی شدن بودجه اجرایی شدن آنها تمسک جسته است که این روش در ماههای سال آینده متوط کرد!

روحانی در مسکن اذعان کرد: تمام و عده‌های اصلی نیز بوده است.

که دولت به مردم در انتخابات داده است و هر آنچه مورد به دنبال ارائه گزارش صد روزه روحانی از عملکرد دولت مطالبه مردم در ایام انتخابات بود مثل اشتغال، رشد اقتصادی، دوازدهم این روزنامه‌ها گزارش رئیس جمهور را گفتار درمانی رفع فقر و کاهش نابرابری‌ها و تحرک در طرح‌های اصلی و خوانده و نوشته بودند: «یک ایرانی داریم که در ذهن رئیس مهم و حضور بخش خصوصی در اقتصاد کشور، در این لایحه جمهور قرار دارد و هیچ مشکل و چالشی نه در سیاست خارجی، نه سیاست داخلی نه اقتصاد... ندارد. اما ایرانی دیگر که در

روحانی با بیان اینکه در بودجه امسال به تمام چالش‌های عالم واقعیت وجود دارد که با ۷ اصلی کشور و رود کرده‌ایم، اظهار داشت: تلاش ما در دولت میلیون بیکار و رکود اقتصادی سنگین و دولتی که ظرف ۷ ماه گذشته یازدهم ایجاد آرامش اقتصادی بود. می‌خواستیم این از قریب ۱۹ هزار میلیارد تومانی که علی القاعده باید با گذشت لوکوموتیو و قطار بر روی ریل خود قرار بگیرد،alan بر روی نیمی از سال به عنوان نیمی از بودجه عمرانی هزینه می‌شده، فقط ریل قرار گرفته است. اکنون به سرعت و دقیقت لازم نیاز ۸ هزار میلیارد تومان آن را هزینه کرده است».

داریم، باید به سرعت پیش برویم تا به اهداف مان نوشته بود: «رئیس جمهور ترجیح می‌دهد

وی در بخش دیگری از سخنان خود با انتقاد از مسکن مهر با دلایل محکمی که دارد از ایرانی که در عالم واقعیت وجود گفت: همه درخصوص مسکن مهر راه اشتباه انتخاب کرده دارد کمتر سخنی به میان آورد و از ایران ذهنی خود بیشتر سخن اند، ریشه مسکن مهر غلط و اشتباه بود. بحث من الان این بگوید. آن‌گونه که آقای روحانی از این ایران ذهنی سخن گفت است که ما باید مسکن مردم را به طور صحیح درست کنیم، کشور ما با همسایگانش به غیر از یکی دو استشنا (که وزارت دوم اینکه نیاز به پول بانک مرکزی نداریم، شما سرمایه‌دار را خارجه در تلاش برای بهبود روابط است) رابطه خوبی دارد و می‌آورید زمین را در اختیار او قرار می‌دهید و دو برابر مسکنی مشکل اقتصادی، بیکاری و... در آن دیده نمی‌شود. معلوم نیست که در آن محل وجود دارد او می‌سازد و مسکن صاحبان خانه هدف و مخاطب رئیس جمهور در این صحبت رودروی را به آنها می‌دهد و مسکنی که بر جا می‌ماند را در مقابل به تلویزیونی کدام اقسام جامعه است».

عنوان هم سرمايه گذاري و هم سود برداشت می‌کند.

گفتنی است اظهارات رئیس جمهور در مخالفت با مسکن مهر با فریادهای اعتراض نمایندگان مواجه شد، به طوری که برخی از نمایندگان معارض با فریاد «دو دو» مخالفت خود را با نظر روحانی نسبت به مسکن مهر اعلام کردند و برخی دیگر نیز با صدای بلند از وی می‌خواستند که مسکن مهر را تکمیل کند، نه اینکه با





اورشلیم یا قدس! واينک آخرالزمان

در اين مكان رخ دهد (از جمله آرماگدون) نشات مى گيرد. اما اقدامات صهيونيسم فقط به همين جا ختم نمى شود. بر اساس باور هاي يهود، ظهور منجي زمانى رخ مى دهد که هيكل سليمان (معبدی که سليمان نبى در اورشلیم بنا کرده بود) دوباره احیا شود. ساخت مجدد اين معبد به معنی تخریب مسجد الاقصی است زیرا مختصات اين مسجد و معبد بر هم منطبق است. جنبش هاي بسياري در اسرائيل برای تحقق اين امر شکل گرفته و اقداماتي هم در اين باره انجام شده ولی تسلط بر قدس دست صهيونيسم را برای تخریب هر چه بيشتر مسجد الاقصی باز مى گذارد.

اما اين تصميم انتشاري جامعه صهيون به مثابه دميدن در آتشى بود که مدت ها زير خاکستر خفته بود. اکنون و درست پس از شکست داعش و در اوچ قدرتمندي شيعيان و تسلط نظامي آن ها بر منطقه، اسرائيل خود را وارد جنگى کرد که به قيمت انزواي هر چه بيشتر و چه بسا اضمحلال آن تمام خواهد شد. انتفاشه سوم آغاز شده ولی اين بار با انتفاشه هاي قبلی متفاوت است. حمایت هاي سپاه قدس (که همان طور که از نامش پيداست برای چه هدفي تشکيل شده) از مبارزه اهالي غزه و کرانه باخترى علني تر شده و شدت يافته است. جمعيت اهل حق عراق و حشد الشعبي آماده اعزام به جولان و حزب الله لبنان و سيد عزيز ما حسن نصرالله با سربازان آخرالزمانی خود در حال فشردن گلوي اسرائيل هستند.

آري قدس به جاي آن که محل نجات صهيونيسم باشد تبدیل به نقطه آغاز نابودی آن خواهد شد. «قدس کليد رمز آلود در هاي فرج است». اکنون عمق اين سخن امام خامنه اي بيشتر مشخص شد

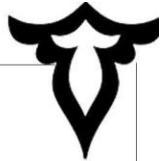
مهمنترين و داغ تريين مسئله اين روزهای جهان اعلام خبر انتقال پايتخت رژيم جعلی اسرائيل به اورشلیم يا همان قدس شريف است. تصميimi که پس از پيروزی ترامپ در انتخابات سال گذشته آمريكا خيلي دور از انتظار نبود. ترامپ جمهوری خواه مانند سایر هم خوبی هایش ارتباط عميق و تنگاتنگی با مسيحيان صهيونيسست که او انجليکال ناميده می شوند؛ دارد. جمهوری خواهان نسبت به ساير مردم آمريكا نگاه جدی تر و عمل گرا تری نسبت به مسئله آخرالزمان و ظهور مسيح عليه السلام دارند که همين سبب دوستی آنان با اوانجليکال ها شده است. اوانجليسم فرقه اي از مسيحيت پروتستان است که پيوند عميقی با يهوديان صهيونيسست دارد. بررسی تاريخچه پيوند مسيحيت با يهوديان و علت قدرت یافتن اين تفکر در آمريكا بحث مفصلی است که در اين وچيزه نمى گنجد.

طبق همين دوستی ديرينه، دونالد ترامپ از حمایت ويرژه اوانجليکال ها برخوردار بود و کشيشان و رهبران آن ها صراحتا از ترامپ به عنوان نامزد اينده آآل خود نام برداشت. طبعتا به دليل قدرتمندي اين جريان در ایالات متحده از اصلی تريين دلایل پيروزی تاجر نيوپور کي بر رقيب دموکراتش نيز همين حمایت ها بود.اما اين پشتيانی قطعا بدون چشم داشت نبوده و ترامپ با دادن وعده اي قانع گشته حمایت اين فرقه را جذب کرده است. وعده اي که همان طور که ذکر شد به دليل نگاه ويرژه آخرالزمانی اوانجليسم بي ارتباط با مسئله ظهور منجي نبود. برخى تحليل گران در زمينه آخرالزمان و آينده پژوهى به دلایلى که در بند فوق ذکر شد اعلام پايتختي قدس را دور از ذهن نمى دانستند و حالا با اين تصميم ترامپ مهر تايد بر اين گمانه ها زده شد و او از وعده اي که به مسيحيان تبشيري داده بود به طور علني رونمایي کرد.

اما چرا قدس برای صهيونيسم و عمل آن ها در مسيحيت اهمیت دارد؟ پاسخ اين سوال در کتب مقدس يهودیت و مسيحيان یافت مى شود. قدس از منظر اين دو عقیده گره خورده به هم محل ظهور مسيح موعود است.

هیچ مکانی در جهان به اندازه اورشلیم (بخوانید قدس) برای آن ها ارزشمند نیست. تسلط بر قدس در حقیقت از نوعی آمادگی برای وقایع آخرالزمانی که طبق عقیده آنان قرار است





شبوط

قدس هم سوم خرداد خود را خواهد دید

عشاق فتحی شفاقی
دوستداران نصرالله
دلباختگان طهرانی مقدم
شیفتگان حاج قاسم ...
ما
لوگوی روزنامه خود را
با رنگ پرچم حرمeh، ست نمی کنیم
ما
جیره بگیر کاخ سفید نیستیم
و با آل سعود هم
برادر نیستیم
برادران ما
ملک سلمان و علی عبدالله صالح نیستند
عشق است برادران دستواره
عشق است سینه زنان حسینیه حاج همت
عشق است ابراهیم هادی
عشق است شهید ادواردو آنیلی
که شیک ترین مظاهر دنیا را
و همه برندها را
تا دم در بهشت، دریل زد
عشق است
садگی زیلوی بیت رهبر خودمان
عشق است
تنها تداعی خمینی
عشق است چفیه آقا
عشق است
نتایج روشن مقاومت
عشق است
آن روز نزدیک
آن سحر پیش رو
که در مسجد الاعظم هم
نماز فتح بخوانیم
به امامت آفتاب ...
الله اکبر!

تا مبادا
قدوم اجنبي
خاک پاک ایران مان را
ناپاک کند
تا مبادا
خمینی بت شکن
احساس تنهایی کند!
آری!
ما همان پدران مان هستیم
همچنان که
خامنه‌ای همان خمینی است!
پس هیچ چیز عوض نشده...
پلاک؛
همان است که بود
چفیه؛
همان است که بود
جبهه؛
همان است که بود
جنگ؛
همان است که بود
شن؛
همان است که بود
سنگ؛
همان است که بود
و قدس هم
سوم خرداد خود را خواهد دید!
پدران ما
بذر پیروزی را
در دل ما
عجب، محکم کاشته اند
ما همه جهادیم؛
فرزندان عmad
پسران مجnoon
دختران طلائیه
ذریه فکه
بچه های زمین فتح المیین
سنگ های سرزمین بیت لاهیا
سنگرهای نوار غزه
و کرانه باختری
و اریحا
و مؤمنین به «ما رأیت الا جمیلا»
۶ ماهه های شهید فلسطین

در آن واحد
هم در جملیم
هم در صفين
هم در نهروان
هم در حلب
هم در موصل
هم در تهران
نه فقط، فراوان جبهه داریم
بل که خوب می دانیم
خرمشهرها در پیش است ...
باشد!
هر چه می خواهد
فتحه ها پیچیده تر باشد!
مهم این است؛
ما هر کجا
و در هر جبهه که باشیم
«علی» را تنها نمی گذاریم ...
در جمل
فریب دیروز طلحه و زبیر را نمی خوریم
در صفين
فریب امروز معاویه و عمر و عاص را
و در نهروان
فریب جای مهر روی پیشانی ها را
ما خودمان «رهبر» داریم
که نورانی ترین جیان را
بر کربلا بی ترین مهرها می گذارد
که دیروزش
از دیروز اصحاب، بهتر بود
و امروزش
از امروز همه چپ و راست
ما کوچک بودیم
خیلی کوچک
اما نه آنقدر که از پدران مان
رسم مردانگی نیاموزیم
ما خوب یادمان هست
چگونه از ما گذشتند
و چگونه رفتند
تا مبادا
سنگینی چکمه دشمن را
روی سینه خود حس کنیم
تا مبادا
یا کریم ها دیگر نخوانند





ما برای پیچاندن آمدیم

تغیر نمی کند. نه اعتراض های ما جواب می دهد نه بجای برنج هندی از برنج ایرانی استفاده می شود نه غذاها متنوع می شود نه غذاهای خشک تر می شود نه غذاهای بی نمک شور می شود و همه ای این کارها از اساس بیهوده بوده است.

در آن تجمع ننگین رئیس محترم دانشگاه حاضر شدند و در نطقی عوام فریبانه که من را یاد این بیت شاعر می اندازد: ما برای پیچاندن آمدیم نی برای کار کردن آمدیم و عده دادند که اوضاع غذا بیهوده باید. مانیز خام و عده حضرتشان شدیم، شاد و خرسند از محل تجمع پراکنده شدیم. گویی به کودکی خردسال تی تاب بدهد، فکر می کردیم لانه جاسوسی را تسخیر کرده ایم.

اما پس از آنکه هفته بعد دوباره ۲۳۰ نفر از دوستان راهی بیمارستان شدند، یاد این بیت خواجه افتادیم که می فرمود: عهد نابستن من ندانستم از اول که تو بی مهر و وفایی از آن به که بیندی و نپایی

و آنجا بود که حکمت آیه شریفه‌ی «ان الله لا يغير ما بقوم حتى يغروا ما بالنفسهم» را درک کردیم و تصمیم گرفتیم بجای تجمعات بیهوده، وقت گیر و طاقت فرسا، معده‌های خود را تقویت کنیم که راهی بیمارستان نشویم.»



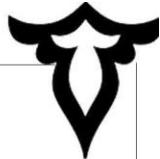
مشغول جمع آوری امضا از همکلاسیان بودم. ناگهان استاد وارد کلاس شدند. فوراً برگه‌های را جمع کردم و تا استاد به محل استقرار خود برسند، سرجایم نشستم.

روی صندلی که جلوس کردند صدا زند: «آقا چه کار می کنی؟ باز چه خواب و خیالی در سر داری؟»

نمی خواستم از موضوع باخبر بشوند. حوصله‌ی وعظ و اندرز و نظریه پردازی آقا را نداشتم.. گفتم: «هیچ استاد، کاری نمی کردیم.»

هنوز کلام کاملاً از دهان مبارک اینجانب بیرون نیامده بود که یکی از دوستان خودشیرین کوفی صفت از انتهای کلاس باد در گلو اندخته و فریاد برآورد که: «استاد داریم برای اعتراض به غذاهای سلف امضا جمع می کنیم.» استاد لبخندی زد و گفت: «راست می گوید آقا؟» از آنجا که می دانستم دیگر راهی ندارم و باید تا انتهای کلاس پای خطابه ای استاد عزیز تر از جانم بنشینم، گفتم: «بله استاد.»

نگاهی عاقل اندر سفیه به بنده‌ی سراپا تقصیر انداختند و گفتند: «فکر می کنی نتیجه هم می دهد؟» همین که آدم سخن بگوییم گفت: «نه عزیزم. تو مو میینی و من پیچش مو. این کارها بیهوده است. سال ۷۵ در یکی از دانشگاه‌های دولتی کشور مثل الان شما دانشجو بودم. در اثر استفاده از اقلام مسموم در غذا ۱۷۰ دانشجو مسموم و راهی بیمارستان شدند. آن زمان ما هم شبیه شما شور جوانی در سر داشتیم. آرام و قرار نداشتیم که مثل آدم بنشینیم و درسمان را بخوانیم. اصطلاحاً کله مان بوی قرم‌هه سبزی می داد یا به قول جدیدترها دنبال قاتل بروسلی بودیم. دم درب سلف تجمعی عظیم ترتیب دادیم تا مراتب اعتراض خود را به گوش مسئولین برسانیم. تصور می کردیم که به سان جوانان سال ۵۷ داریم انقلابی در امور استکبارانه و ظالمانه‌ی دانشگاه می کنیم اما مدتی بعد که کمی عاقل تر شدیم متوجه شدیم که هیچ چیز



سبو

حقیقتی که ترامپ به زودی متوجه آن خواهد شد

چینی بمب خبری میتواند به راحتی افکار عمومی در داخل و خارج از آمریکا را از پرونده‌ی رسوایی ترامپ منحرف سازد. از منظر تحولات بین‌المللی نیز واقعیت این است که تصمیم ترامپ پس از آن صورت گرفت که آمریکا، رژیم صهیونیستی و متحдан منطقه‌ای آنها - با شکست داعش در سوریه و عراق توسط محور مقاومت - با ناکامیهای بزرگی روبرو شده‌اند و مقاومت اسلامی ضدصهیونیستی، به همین علت دست بالا در منطقه دارد. همین موضوع سبب شده است که ترامپ و دامادش کوشنر از زمان شروع دوره‌ی ریاست‌جمهوری ترامپ، به دنبال برقراری روابط نزدیک با عربستان به ویژه محمد بن سلمان، ولی‌عهد جوان و البته خام این کشور باشند تا او را به هم پیمانی علیه ایران، به عنوان دشمن مشترک تبدیل کنند

شکننای پی در پی آمریکا در منطقه

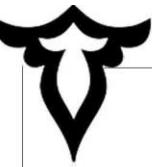
البته آنچنانکه مشهود است آمریکایی‌ها در طول این مدت هر کاری که کرده بودند به درسته خوردن: حمایت اطلاعاتی آمریکا از داعش عراق نیز به نتیجه‌ای که میخواستند نرسیدند و بغداد توانست با کمک ایران، توطئه‌ی تجزیه طلبان را به راحتی خنثی کند، نمایش مضحک رخدان سعد حریری و استغای او برای انزواه حزب الله نیز به نتیجه‌ای رسید و درنهایت، حمایت آمریکا از علی عبدالله صالح برای فتنه افکنی و جدا کردن یمن به دو بخش شمالی و جنوبی و نابودسازی پایگاه انصار‌الله در صنعا، شکست مفتضانه‌ای برای جریان سعودی-آمریکایی بوجود آورد تا به یک باره محور

تصمیم به ظاهر ناگهانی رئیس جمهور آمریکا درباره‌ی قدس شریف، از سوی مجتمع بینال مللی با انتقادهای گسترده‌ای روبرو شد و برخی این تصمیم ترامپ را ناشی از رفتارهای نامتعادل آن دانستند. اما ساعاتی قبل از اعلام رسمی این تصمیم، رهبر انقلاب در دیدار با مسئولان نظام و اعضای کنفرانس وحدت اسلامی به همین نکته اشاره کرد و فرمودند: «حالا اینکه ادعا میکنند میخواهند قدس را پایتخت رژیم صهیونیستی اعلام بکنند، این از عجز اینها است، از ناتوانی اینها است. در قضیه‌ی فلسطین دستهای اینها بسته است، با این کار هم بلاشک ضربه‌ی بزرگتری خواهند خورد و دنیای اسلام در مقابل اینها خواهد ایستاد؛ قطعاً دشمن نمی‌تواند در قضیه‌ی فلسطین، موف قیت موردنظر خودش را پیدا کند و فلسطین آزاد خواهد شد

شایطی که موجب تصمیم عجولانه ترامپ شد

اما به راستی چرا تصمیم ترامپ به فرموده‌ی رهبر انقلاب، نشانه‌ی عجز آمریکا است؟ از منظر تحولات داخلی آمریکا، این تصمیم در زمانی صورت میگیرد که پرونده‌ی رسوایی ارتباط ترامپ و نزدیکانش به ویژه کوشنر، داماد وی که اتفاقاً مشاور ارشد رئیس جمهور آمریکا در مسائل غرب آسیاست، در صدر خبرها قرار گرفته است. در شایطی که بسیاری از تحلیلگران مسائل آمریکا از احتمال استیضاح و برکناری ترامپ از ریاست جمهوری آمریکا به خاطر نقش داشتن در چین رسوایی سخن میگویند،





دیلوگ نشريه

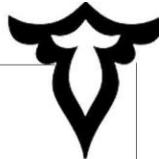
+ مامان
 - جانم؟
 + کسی نمیاد؟
 - نه فقط ما دو تاییم
 + پس دوستای بابا چی?
 - اونا هنوز تو جنگن
 + مامان؟
 - به
 + توی عکسا که اینجا همیشه شلوغ بود، چرا الان
 - خلوته؟
 - چون ما غریب مامان
 + مامان؟
 - چیه؟
 + غریب یعنی چی؟
 - غر...ی.. ب بع...نی..
 (بعض گلوبیش را میگیرد)



مقاومت، قدرت برتر خود را به سایر بازیگران منطقه‌های نشان دهد. شاید به دلیل همین شکستهای پی در پی آمریکا بود که چندی پیش جو بایدن، معاون رئیس جمهور پیشین آمریکا با اشاره به رفتارهای دونالد ترامپ گفت: ما در حال حرکت رو به پایین در مسیر بسیار تاریکی هستیم که آمریکا را در صحنه‌ی جهانی منزوی میکند و در نتیجه، منافع مردم آمریکا را تقویت نمیکند، بلکه ر معرض خطر قرار میدهد. حقیقتی که ترامپ هم متوجه آن خواهد شد چنین شرایطی سبب شد تا ترامپ برای فرار از مشکلات و جران ناکامی‌ها چنین گستاخانه، قبله‌ی اول مسلمانان جهان را در معرض تهدید قرار دهد. اما تا بدین جای کار، واقعیت موجود نشان میدهد که دستاوردهای تصمیم ترامپ برای جبهه‌ی مقاومت به ثمر نشسته است. از سویی دستگاه تبلیغاتی کشورهای سازش کار که تمام تبلیغات خود را برای عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی انجام دادند حالا با اقدام ترامپ، تمام ظرفیتها به نفی استراتژی سازش و ضرورت اقدام مسلحانه و اجتماعی برای آزادی قدس متمرکز شده است و از سویی دیگر مسئله‌ی فلسطین که عملاتی هفت سال گذشته در جریان درگیری‌های سوریه و عراق از اولویت جهان اسلام و افکار عمومی جهان اسلام خارج شده بود، به اولویت اصلی جهان اسلام بازگشته است.

در این بین آنچه تاکنون فلسطین و قدس را در مقابل زیاده‌خواهی آمریکا و رژیم صهیونیستی به عنوان بخشی از بدنی‌ی جهان اسلام زنده نگاه داشته است، تضمنهای عربستان یا دیگر کشورهای خائن به آرمان مردم فلسطین بوده است، فلسطین زنده به مقاومت است، این حقیقتی است که ترامپ هم به زودی متوجه آن خواهد شد. این همان حقیقتی است که دیروز سید حسن نصرالله صراحتاً آن را اعلام کرد: بر اساس معادلات میدانی و اطمینان به وعده‌ی الهی میگوییم: ان شاء الله تصمیم ترامپ، آغاز پایان اسرائیل خواهد بود. ۵





سبوط

پایین آمدیم دوغ بود، همه آن حرفه ادروغ بود؟!

کجاست آن حسّ آرمانگرایی و تکلیف شناسی شما؟ چرا چُرت میزند؟ با خود میگوید پیامبر رفت و قصه تمام شد و نهضت به آخر رسید؟ پایین آمدیم دوغ بود، همه آن حرفها دروغ بود؟! بعد این جمله را میرمایند که گویی آسیب شناسی همه انقلابها از جمله انقلاب ما است، یعنی ودادن بعد یک دوره انقلابیگری، تن پرور شدن و خوگرفتن به وضع موجود، راحت طلب شدن و سر سفره انقلاب نشستن، بعد از دوره فداکاری و مجاهدت...

حضرت زهرا آفت انقلابها را، این قعود بعد از قیام میدانند. «فقبا لفلول الحد واللعب بعد الجد»، به بازی و شوخی گرفتن اصول، بعد از یک دوره ای که همه ماسر این حرفها جدی بودیم. میرمایند چه زشت است به شوخی گرفتن آن چیزی که روزی جدی بود. چقدر بد است، ودادن بعد از آن همه جهاد!، "قبحا لقرع الصفاه و صدع القناه و خطلل الاراء، و زلل الاهواء"، چه زشت است همه دست آوردها را زمین گذاشت و گوهری را که به آن سختی تا اینجا آورده ایم به سنگ خارا زدن، چه بد است زنگ زدن سلاحها و بی اثر و بی خاصیت شدن ها چقدر بد است مجاهدینی که آن کارهای بزرگ را کردند، بعد از دو دهه اینقدر بی بخار شوند و چه زشت است پس گرفتن شعارها و باطل شدن اندیشه ها و از دادن انگیزه ها...

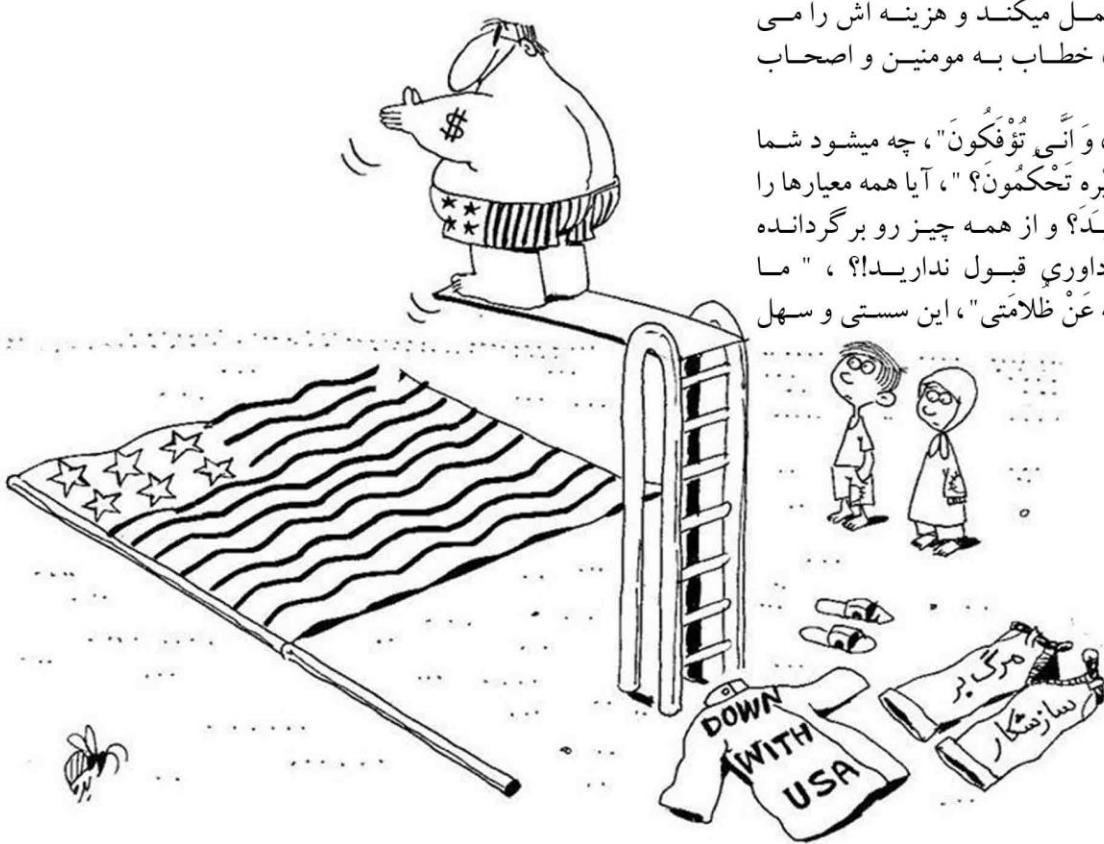
در سخنرانی انتقادی و اعتراضی حضرت زهرا (سلام الله علیها) به اوضاع پس از پیامبر، میتوان تعاییری را دید که اخطار صریح به همه انقلابیون در طول تاریخ، در همه زمان ها و اعصار است. اولاً مخاطب این عبارات حضرت، مشرکین و کافرین نبودند، یهود و نصاری نبودند، مخاطب شان منافقین به معنای خاص نبودند، بلکه خطباشان به انقلابیون فداکار عصر پیامبر یعنی اصحاب، مجاهدین، رزمnde ها، جبهه رفته ها و شهید داده ها، یعنی مهاجرین و انصار بوده است.

یکی از مواردی که حضرت در باره آن اعلام خطر کردند، بازگشت از ارزشها انقلابی و الهی و ارجاع به ارزشها جاهلی قبل از پیروزی انقلاب است و شما ببینید وقتی انقلابی با حضور پیامبر و اصحاب ایشان، در معرض چنین خطر بزرگی بوده است، حساب بقیه انقلابهای اسلامی مثل ما که یکی از فرزندان انقلاب پیامبر اکرم در طول تاریخ است، چه میشود. انقلاب ما یکی از بذرهایی است که از آن گلستان رویده است. وقتی آن گلستان از چنین آفتی در خطر بوده است، تکلیف انقلاب ما روشن است.

حضرت فاطمه بعد از پیامبر، در حقیقت یکی از رهبران جنبش مقاومت هستند. مقاومتی که میخواهد دو کار را بکند، یکی اینکه ساختار حاکمیت بعد از پیامبر را در هم نشکند، دوم اینکه تا حد ممکن جلوی انحراف افکار عمومی و تغییر مسیر نظام را بگیرد. روی همین حساب، معتبرض، انقلابی، فریادگر و سازش ناپذیر عمل میکند و هزینه اش را می پردازدییند حضرت فاطمه، خطاب به مومنین و اصحاب

پیامبر چه میگویند:

"فَهَيْهَاٰتٌ مِنْكُمْ، وَ كَفَّ بَكُمْ، وَ أَنِي تُؤْفَكُونَ" ، چه میشود شما را؟، "أَرَغَبَهُ عَنْهُ تَرِيدُونَ؟ أَمْ بَغْيَرِهِ تَحْكُمُونَ؟" ، آیا همه معیارها را پس از پیامبر کنار گذاشته اید؟ و از همه چیز روبرگردانده اید؟ دیگر قرآن را به داوری قبول ندارید؟، " ما هذه الغَمِيزَةُ فِي حَقِّيَّةِ الْسَّنَةِ عَنْ ظَلَامَتِي" ، این سستی و سهل انگاری برای چیست؟،





پیشنهاد کتاب

«یک لحظه چشم افتاد توی آینه. علی آقا داشت نگاهم کشیدم. زود نگاهم را دزدیدم و سرم را پایین انداختم. این اولین باری بود که علی آقا درست و حسابی مرا می‌دید». این جملات، روایت نخستین لحظه‌های زندگی مشترک زهرا پناهی روا و علی چیتسازیان است. دختر هفده ساله‌ای که در آغاز جوانی است و هیچ‌گاه تصور نمی‌کند که سال‌ها بعد روایت زندگی چند ماهه‌اش با فرماندهی اطلاعات و عملیات لشکر انصارالحسین علیه السلام تبدیل به کتابی جذاب و خواندنی به نام «گلستان یازدهم» شود

تاسال‌ها قبل همواره در کتاب‌ها، فیلم‌ها و داستان‌ها روایتی خاص و تک‌بعدی از زندگی شهدا و ایثارگران دفاع مقدس نقل می‌شد. شجاع، دلاور، مؤمن و ایثارگر صفاتی بودند که از شهدای عزیز در جبهه‌های جنگ به یادگار مانده بود. اما این شهدا همیشه نیمه‌ای پنهان داشتند و آن نحوه تعامل با خانواده، همسر و فرزندان بود، کمتر کسی از عشق، محبت و احساس آن‌ها در درون خانواده آگاه بود. این امر زمانی به یک دغدغه تبدیل شد که در مواجهه با نسل جدید، تنها روایتی حماسی گونه و در جغرافیای خط مقدم از شهدا به یادگار مانده بود و از زندگی روزمره و معمولی آنان چیزی به نسل‌های بعد منتقل نشده بود. نکته‌ای که رهبر انقلاب هم در تاریخ ۱۳۹۵/۰۷/۰۵ به آن اشاره کردند: «ما در بیان زندگی نامه‌ی شهیدان سعی کنیم خصوصیات زندگی اینها و سبک زندگی اینها و چگونگی مشی زندگی اینها را تبیین کنیم، این مهم است. خب، هیجان جنگ و رفتن در میدان جنگ یک مسئله است که چیز بالارزشی است که کسانی جانشان را کف دست بگیرند و بروند بجنگند؛ لکن روحیات، خصوصیات زندگی، سابقه و پشتونهای فکری و اعتقادی شخص هم یک مسئله‌ی دیگری است که این خیلی مهم است. این شهیدی که شما از یاد او و فداکاری او و شهادت او در میدان جنگ به هیجان می‌آید، در داخل زندگی خانوادگی چه جوری مشی می‌کرده، در محیط عادی زندگی چه جوری عمل می‌کرده؛ اینها خیلی مهم است؛ یا نسبت به مسائلی که امروز برای ما مهم است، اینها چه جوری عمل می‌کرده‌اند.».



گلستان یازدهم را می‌توان نمونه‌ای خوب و بالغ از این نوع روایات دانست، این کتاب با زبانی صادقانه به شرح زندگی یک‌سال و هشت‌ماهه‌ی مشترک شهید چیتسازیان و همسرشان پرداخته است. فرمانده‌ای که در جبهه به دلیل مهارت‌های رزمی و شجاعتش به عقرب زرد معروف بود، در خانه با مادر و همسرش به اندازه‌ای با مهر و محبت رفتار می‌کند که گویی این قلب رئوف هیچ‌گاه سابقه‌ی حضور در حرب و قتال را نداشته است. گلستان یازدهم به زیباترین شکل توانسته است قسمت مهمی از نیمه‌ای پنهان زندگی شهید چیتسازیان را به مخاطبان معرفی کند.



آن پیار بین علیه السلام که عالیورا از صبح تا نزد
پهله اه (همه) بـ عالیورایی اهم عنق بود

اما **جانش** حتی نفس به مکونی که آن احوال را برداختند

راه نیافت! چرا که بین خود و **حسین** رُوح نماده بود.

و عبادت مژدها^{۱۱} کرم ابر شیخ است که در پیله حفظ می شود

ربال ها را رستاخیز کان هرگز نخواهد داشت.

نحو خون اسید مرتفع آدمین | صفحه ۱۳

naghafefaghir



Free PALESTINE 2040



رهبر معظم اثنا طلاق اسلامی:

ان شاء الله تا ۲۵ سال آینده
چیزی به نام رژیم صهیونیستی وجود نخواهد داشت.

رژیم صهیونیستی به شرط مبارزه همگانی و متحد فلسطینی ها و مسلمانان با صهیونیستها
در ۲۵ سال آینده وجود خارجی نخواهد داشت.



آئزرسیه مرگوید: "فلسطین‌ها بایم [خوبی] بهمند و خوب مرخوند، دل شیعه را خنثی کرند. [مرگوید] چرا بهمند؟ [مرگوید] آیزها دشمن اهل بیت بوده‌اند. آقا آیزها کس دشمن اهل بیت بودند؟ اهل بیت بیا آیزها بیا؟ آیزها چه تغییر شده‌اند؟"

و گذشت آئز اهل بیت تو، اهل بیت آیز که اتفاقاً را باید "بین‌کوریون" بگیرد؟ آیز شیعه تو چه جو راست نه فتنگش موعود شر بین‌کوریون و موشه دایانه است؟! جامعه هار اسلاعمر بمبارزه مرگ‌شوند، آیزها مرگ‌شوند آنها دارند انتقام آئزست مر را که بر خانواره رهظفر رفت، پرس مرده‌ند. آقا آیز فسائل علم را است، فسائل تاریخ را است، فسائل برداشت فلکر فیض است، ملکب فیض است. آیز به آیز بابا فیوض نیست. فسائل تاریخ را چرا به آیز تکلیل فسائل اجتماعی اسرار می‌لیند؟

تھو اسر شیعه هستم به آیز معناست رله در رام علیم باید بروم و به آئز چه که او برم آئز جنلید، توهم پیشتر و برادر آئز چه که او زندگ اسرار را فدا کرد، تو زندگیت را فدا نکن؛ نه به آیز معنا که رسانم را که افروز قتل تو بدیخت هستند، آنها را به آیز معنا که تو شیعه علیم هستند در نام دشمنی مسیک بیندازیم یا بیسندز که بیفتند. علیم الائمه خود را با آینها دشمن است؟! برداشت تاریخ را آیز آقا غلط است...

«... فیض باید او را از اشتباه در بیاورم. اگر فقط دارم باید آیز رفیقم را از آیز برداشت تاریخ غلط در بیاورم...»

«... در آئز حمله کردند به خانه فاطمه ولد ایز آقا شرکت ندادند! آیز هزار و چهار هزار سال بعد آفده. خودت هم مردانه آیز شرکت ندادند و خودت هم مردانه که به نفع کسر دار مر حرف مر زن!»

